

استاد فلسفه پژوهشگاه دانشهای بنیادی :

ISI ملاک موجهی برای ارزیابی پیشرفت در علوم پایه و تجربی است
علت کمبود مقاله خصوصاً در علوم انسانی، نبود جامعه علمی فعال و منتقدست

خبرگزاری دانشجویان ایران - تهران

استاد فلسفه تحلیلی پژوهشگاه دانشهای بنیادی اظهار داشت **ISI**: در مورد علوم پایه و علوم تجربی ملاک خوب و قابل قبولی است که جوامع علمی بتوانند با ارجاع به آن پیشرفت خود را با آن هماهنگ کنند اما برای ارزیابی بسیاری از رشته‌های علوم انسانی (مانند فلسفه) قابلیت کافی را ندارد، زیرا با وجود نمایه‌سازی بسیاری از نشریات سطح بالا در آن، تمامی نشریات خوب (فلسفه) در آن نمایه نشده و برخی از نشریات فلسفی نمایه شده در آن نیز فاقد ارزش بین‌المللی هستند .

دکتر حمید وحید دستجردی، عضو هیات علمی پژوهشگاه دانشهای بنیادی در گفت‌وگو با خبرنگار «علمی» خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)

اظهار کرد: مقالات تئوریک به صورت طبیعی تأثیر خود را در زمینه‌های علوم کاربردی هم خواهند داشت، زیرا پیشرفت در زمینه‌های علوم کاربردی (مانند مهندسی) منوط به پیشرفت در زمینه‌های تئوریک علوم پایه است. تردیدی نیست که علوم مهندسی رشد خود را مدیون علوم پایه هستند و قطعاً برای پیشرفت در علوم مهندسی - که به زعم عده‌ای بیشتر به درد کشور می‌خورند - ناچار از پیشرفت در علوم پایه و نظری هستیم؛ به خصوص زمانی که قرار است خود را بخشی از جامعه علمی جهانی بدانیم .

وی افزود: هیچ تردیدی نیست که اگر کشورهای غربی توانسته‌اند مشکلات صنعتی و غیرصنعتی خود را حل کنند، این امر ناشی از پیشرفت علمی آنها در حوزه‌های علوم نظری و علوم پایه بوده است .

وی خاطرنشان کرد: مقایسه علمی افراد با ملاک چاپ مقاله، تنها با توجه به حوزه کاری آنها میسر است و نباید تعداد مقالات نوشته شده، مثلاً در علم شیمی را با تعداد مقالات ریاضی مقایسه کرد، زیرا علوم کاربردی و آزمایشگاهی طبیعت متفاوتی از علوم نظری دارند و حتی در زمینه یک حوزه علمی واحد (مثلاً ریاضی) نیز چنین قیاسی ناموجه است؛ به عنوان مثال، ارزش یک مقاله درجه یک در زمینه «توبولوژی» به مراتب بیشتر از چندین مقاله در زمینه «ترکیبیات» است .

دکتر وحید دستجردی با اشاره به این که حوزه کاری وی فلسفه تحلیلی و غربی است، اظهار نظر درباره مقالات را به نوشتن مقاله در زمینه فلسفه محدود و تصریح کرد: یک تحقیق فلسفی از تحقیق در بسیاری از حوزه‌های علمی دیگر دشوارتر است - به خصوص برای کسی که در ایران کار می‌کند - و این مساله ناشی از طبیعت فلسفه است. حتی در کشورهایی مثل انگلستان و آمریکا نیز نوشتن یک مقاله در سال برای یک فیلسوف کفایت می‌کند - تا مثلاً عضو هیات علمی شود یا بتواند شغلش را حفظ کند - و از این جهت هیچ کس انتظار ندارد که تعداد مقالات یک فیلسوف مثلاً با یک ریاضیدان یا فیزیکدان برابری کند .

وی تأکید کرد: نمی‌توان انکار کرد که در ایران چاپ مقاله در زمینه فلسفه غربی - آن هم به زبان انگلیسی - کار دشواری است اما بر خلاف آنچه عده‌ای ادعا کرده‌اند زبان انگلیسی نمی‌تواند بهانه‌ای برای عدم چاپ مقاله باشد و مشکل در جای دیگری است .

عضو هیات علمی پژوهشگاه دانش‌های بنیادی ادامه داد: کسی که ادعای کار تخصصی در زمینه فلسفه غربی دارد، حداقل باید توانایی خواندن و فهمیدن زبان انگلیسی را داشته باشد و به این ترتیب کافی است مقاله فلسفی فارسی خود را به کمک دیگران به انگلیسی برگرداند؛ بنابراین زبان انگلیسی نمی‌تواند بهانه چاپ نکردن باشد. مساله اصلی این است که آیا این قبیل افراد تا به حال توانسته‌اند مقاله‌ای فلسفی به فارسی اما متناسب با استانداردهای بین‌المللی چاپ کنند؟ قضاوت در این زمینه کار دشواری نیست، کافی است نگاهی به کارهای منتشر شده آنها به فارسی ببینیم.

دکتر وحید دستجردی که در کارنامه تحقیقاتی خود متجاوز از ۲۵ مقاله چاپ شده یا در حال چاپ در ژورنال‌های معتبر خارجی و یک عنوان کتاب منتشر شده در انگلستان توسط انتشارات «مک میلان» دارد، گفت: هیچ دلیلی وجود ندارد که افراد نتوانند مقاله در مجلات خارجی منتشر کنند اما مانع عمده در این زمینه، علاوه بر کمبود امکانات تحقیقاتی، نبودن جوامع علمی فعال در ایران است که از طریق آن مطالب نوشته شده از سوی دانشمندان، مورد نقادی قرار گرفته و پس از رفع مشکلات، برای چاپ ارائه شود. به طور حتم در صورت وجود چنین جامعه علمی، شانس چاپ مقاله این افراد به مراتب بیشتر از مقاله فردی است که مجبور است در انزوای مطلق آن را نوشته و به ژورنال خارجی ارجاع کند.

وی اظهار کرد: ما از این تفاوت بارز و نبود یک جامعه فلسفی فعال رنج می‌بریم و این مهمترین عامل ناتوانی ما در چاپ مقالات علوم انسانی در ژورنال‌های خارجی است و دلیل توفیق ریاضیدانان و فیزیکدانان ایرانی در چاپ مقالاتشان نیز دقیقا به واسطه وجود جوامع علمی مربوطه است در حالی که در زمینه فلسفه فاقد چنین جامعه علمی‌ای هستیم.

استاد فلسفه تحلیلی پژوهشگاه دانش‌های بنیادی در گفت‌وگو با ایسنا افزود **ISI**: درمورد علوم پایه و علوم تجربی ملاک کاملا خوب و مطمئنی است که جوامع بتوانند پیشرفت علمی خود را با آن هماهنگ کنند اما درمورد فلسفه برای سنجش مقالات و ژورنال‌های فلسفی، **ISI** ماخذ کاملی نیست.

وی خاطرنشان کرد: برخی از مجلات فلسفی نمایه شده در **ISI** بسیار بد و ضعیف بوده و نمونه آن مجلات روسی و کشورهای اروپای شرقی است که حتی به زبان انگلیسی نیز نبوده و احتمالا به دلیل قدمت یا مداومت در انتشار مجله در **ISI** نمایه شده‌اند؛ از طرف دیگر همه مجلات خوب در **ISI** نمایه نشده‌اند، به همین دلیل برای ارزیابی پژوهش‌های فلسفی، فلاسفه غربی رتبه‌بندی مخصوصی را از ژورنال‌های فلسفی ارائه داده‌اند که لزوماً منطبق با ملاک‌های **ISI** نیست (به عنوان مثال توسط انجمن فلسفی بریتانیا **BPA**).

دکتر وحید دستجردی در ادامه گفت: ارسال مقاله و درج آن در مجلات **ISI** مسلماً نشان دهنده توسعه علمی است و ما راهی برای ارتباط با جامعه علمی جهانی جز از طریق چاپ مقاله در ژورنال‌های بین‌المللی نداریم.

وی تأکید کرد: ما در هر حال ناگزیر از ورود در این رقابت - البته ناعادلانه به خصوص در حوزه‌هایی مانند فلسفه غربی - هستیم و نمی‌توانیم صبر کنیم تا از همه لحاظ هم‌سنگ همکاران غربی‌مان شویم و بعد شروع کنیم. بالاخره باید از جایی شروع کرد. اخیراً فضای تحقیقاتی در زمینه علوم انسانی (فلسفه) به این سمت متمایل شده است که اعضای هیات علمی دانشگاه‌ها سعی در چاپ مقالاتشان در ژورنال‌های بین‌المللی دارند و بعضاً نیز در این امر موفق بوده‌اند.

این تغییر در نگاه و رفتار را باید به فال نیک گرفته و آن را تشویق کرد، در حالی که عده‌ای که از قضا متولی حوزه فلسفه در این دیارند به جای مساعدت با حرف‌های غیر منطقی خود - که متأسفانه ضمانت اجرایی هم دارد - سعی در به زیر سوال بردن این روند با ارائه استدلال‌هایی که اساساً غیر قابل فهم‌اند، دارند .

وی افزود: کسانی که در کارنامه علمی خود حتی یک مقاله چاپ شده در ژورنال‌های بین‌المللی را ندارند و چنین تجربه‌ای را از سر نگذرانده‌اند، چگونه به خود اجازه اظهارنظر در مورد ملاک‌های پیشرفت علمی با **ISI** را می‌دهند؟ این به همان نکته‌ای که در پیش اشاره شد، برمی‌گردد که اگر ما دارای جوامع علمی و فلسفی فعال و نقادی بودیم، مجال چندانی برای اظهارنظرهای نسنجیده پدید نمی‌آمد .

استاد پژوهشکده فلسفه تحلیلی پژوهشگاه دانش‌های بنیادی به ایسنا اظهار کرد: میان **ISI** و **ISC** مغایرتی وجود ندارد اما چون جامعه اسلامی کوچکتر از جامعه جهانی است، این مرکز نباید مانع از آن شود که ارزش کارمان را در سطح جامعه جهانی محک نزنیم. اگر بخواهیم صرفاً بر **ISC** متمرکز شویم وضعیت مان بی‌شبهت به کولونی‌های مهاجر در جوامع غربی که همواره در حاشیه هستند نخواهد بود .

وی در پایان به ایسنا گفت: تعیین برترین‌ها میان دانشمندان به فاکتورهای مختلفی بستگی دارد اما قطعاً میان دو دانشمند از یک حوزه علمی واحد که یکی هیچ مقاله‌ای به چاپ نرسانده و تلاش علمی شاخصی انجام نداده و دیگری که مقالاتی را به چاپ رسانده، می‌توان تمایز و ارجحیت قائل شد.